



Doi: [10.22034/pt.2025.471039.1031](https://doi.org/10.22034/pt.2025.471039.1031)



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

■ **Rasul Rasulipour**

Associate Professor, Kharazmi University

Email: Rasouli@khu.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-3157-4715

Abstract

Theology, or knowing God, although by definition a theoretical discipline, is a practical approach due to its characteristics, missions, and goals of prophets and religious leaders. Therefore, the end of the various branches of theology, including theoretical (philosophical), historical (narrative), systematic (scriptural), and dogmatic (doctrinal) theology, etc., is practical theology; in other words, the objectification of knowledge into action. But there is no consensus on what exactly practical theology is. In this article, while

explaining the history of the advent of this term in academia, we have referred to the evolution of its meaning, and we have proposed two terms of “efficiency” and “application” in order to better distinguish the meanings of practical theology.

Also, in the discussion of the necessities of practical theology, we introduced the levels and strata of the agents and those involved in the religiosity of society, and in this regard, while considering the historical and geographical requirements of the society, we have proposed three strategic factors in this regard. The theology of place and the challenges of the dichotomous concept of the secular and the sacred in the objectification and expansion of religious culture in the city and the world of believers are also important topics in practical theology that we have discussed here. At the end, in order to make the proposed essence and necessities concrete, we have reviewed the life of one of the influential figures and exemplars in the contemporary Muslim community in Iran and Lebanon, namely Seyyed Musa Sadr.

Keywords: Practical Theology, Theology efficiency/application, Place secular/sacred, Religion liturgical/responsive.



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوفصلنامه الهیات عملی

سال ۱ / شماره ۲ / شماره پیاپی ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۵ - ۲۳

چیستی الهیات عملی

Doi: [10.22034/pt.2025.471039.1031](https://doi.org/10.22034/pt.2025.471039.1031)

■ رسول رسولی پور

دانشیار فلسفه دین، دانشگاه خوارزمی

رایانامه: rasouli@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۰۵-۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳-۱۱-۱۴۰۳

چکیده

الهیات یا خداشناسی، با اینکه بنابر تعریف، دانشی نظری است، به دلیل ویژگی‌ها، مأموریت‌ها و اهداف پیامبران و رهبران دینی، رویکردی عملی است. از همین رو، غایت شاخه‌های گوناگون الهیات، شامل الهیات نظری (فلسفی)، تاریخی (روایی)، سیستماتیک (آموزه‌ای)، جزمی (اعتقادی) و نظایر آن، الهیات عملی یا به عبارت دیگر، عینیت‌یافتن دانش به کنش قلمداد شده است. با این حال، در اینکه الهیات عملی دقیقاً چیست، اجماعی وجود ندارد. در این مقاله، که به روش توصیفی-تاریخی به موضوع پرداخته شده است، ضمن تشریح ظهور و پیشینه این اصطلاح در محیط دانشگاهی، به تطور معنای آن از دیدگاه صاحب‌نظران استناد، و دو اصطلاح «کارآمدی» و «کاربردی» در تمییز هر چه بهتر و بیشتر معانی مراد از الهیات عملی پیشنهاد شده است. همچنین، در بحث بایستگی‌های الهیات عملی به سطوح و اقشار عامل و



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

درگیر در دینی نمودن جامعه پرداخته شده و در این باره، ضمن در نظر گرفتن اقتضائات تاریخی و جغرافیایی جامعه، سه عامل راهبردی در این زمینه مطرح شده است. الهیات مکان و چالش‌های مفهوم دوگانه عرفی و قدسی در عینیت‌بخشی و گسترش فرهنگ دینی در شهر و جهان زیست مؤمنان نیز از موضوعات مهم در الهیات عملی است که در این مقاله در مورد آن بحث شده است. در پایان، برای ملموس‌ساختن تعاریف و بایستگی‌های پیشنهادی، سیره یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار و الگو در جامعه معاصر مسلمانان در ایران و لبنان، یعنی سید موسی صدر مرور شده است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، الهیات کارآمدی/کاربردی، مکان عرفی/قدسی، دین مناسکی/ماعونی.



مقدمه



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اصطلاح «الهیات عملی»^۱ را اولین بار فردریش شلایرماخر در کتابی با عنوان خلاصه‌ای برای مطالعه الهیات (۱۸۱۱) در فضای آکادمیک طرح کرد. او ضمن برشمردن سه رشته ناهمگن در الهیات (الهیات فلسفی، الهیات تاریخی و الهیات عملی)، معتقد بود اگر این رشته‌ها با علاقه به مسیحیت و با نگرانی برای هدایت کلیسا پیوست نشوند، به‌درستی الهیات نیستند (Schleiermacher, 1850, p. xvi). شلایرماخر در این خلاصه، ماهیت الهیات، هدف الهیات و وظیفه الهی‌دان را تعریف کرده است. او الهیات را تلاشی سازنده می‌داند که هدف خود را در توسعه و رفاه مسیحیت پیدا می‌کند. الهیات یک وحدت «ارگانیک» است که ممکن است به‌طور مؤثر به‌عنوان چرخ با پره‌هایی که در مرکز متصل می‌شوند، تصویر شود. براساس تقسیم‌بندی شلایرماخر در این کتاب، الهیات عملی موضوع سوم و به حسب تفصیلی که در دو موضوع اول (فلسفی و تاریخی) داده، موضوعی فرعی و طفیل الهیات نظری در آن زمان محسوب می‌شده است (Ibid, 1850, p. 267). تاریخ هم‌گواهی می‌دهد که بحث‌های فلسفی و تاریخی از بحث‌های عملی مهم‌تر بوده است. با این حال، به نظر می‌رسد این امر فرعی و طفیلی، اتفاقاً تأمین‌کننده غایت و هدف الهیات باشد؛ یعنی الهیات فلسفی و الهیات تاریخی اهداف خود را با استعانت از الهیات عملی محقق می‌سازند. شلایرماخر

(1850, p. 187) در بند ۲۵۷ بخش سوم کتاب خود آورده است:

«همان‌طور که الهیات فلسفی به آگاهی هوشمند یا به ضمیر آگاه ما، احساس لذت و عدم رضایتی می‌دهد که ناشی از تأملاتی درمورد شرایط کلیسا در هر دوره فرضی است، مسئله الهیات عملی هم این است که طوری رفتار کند تا موضوع و هدف و غایتی را حاصل کند که الهیات فلسفی دنبال می‌کرده و به الهیات فلسفی کمک کند تا هدفش را محقق سازد. درحقیقت، الهیات عملی تأمین‌کننده رضایت و عدم رضایتی است که ضمیر آگاه ما، وقتی درمورد آموزه‌ها تأملات فلسفی می‌کنیم متکفل می‌شود تا هدف الهیات فلسفی را تأمین کند.»

شلایرماخر در پایان همین بخش، و در جمع‌بندی خود درمورد الهیات عملی، با عنوان «ملاحظات پایانی در الهیات عملی»، دغدغه‌ها و تأملات نهایی خود را در این حوزه بیان کرده است. او زمانی که می‌خواهد درباره الهیات عملی صحبت کند، توجهش همان توجه جاری و رایجی است که امروز سازمان‌های دینی در سراسر جهان دارند. شلایرماخر می‌گوید در الهیات عملی دو موضوع مهم است: یکی «خدمات کلیسا»، و دیگری «مدیریت کلیسا در شهر». پس، الهیات عملی در تعریف شلایرماخری آن، یعنی تعیین وظایف جماعت‌های مسیحی و هیئت‌ها، اجرای مراسم و آیین‌های عبادی و مرجعیت کلیسایی، مراقبت‌های شبانی یا مراقبت‌های معنوی، و همچنین، نسبت رهبری کلیسا با مدیریت شهری و دولت؛ یعنی نحوه تعامل کلیسا با حکومت.

با مطالعه دو بخش اول کتاب، روشن می‌شود که تلقی الهی‌دان بزرگی مانند شلایرماخر از الهیات عملی همچون بسیاری از الهی‌دان‌های معاصر این است که ببینیم در کلیساها، معابد، مساجد و زیارتگاه‌ها، افرادی که نماینده و کارگزار الهیاتی هستند چه باید بکنند؟ او در همان کتاب توضیح می‌دهد که وظیفه کشیش و اسقف چیست. عشاء ربانی را چگونه باید انجام داد؟ یا مراسم اعتراف در کلیسا را چگونه برگزار می‌کنند؟ بنابراین، تلقی اولیه از الهیات عملی در واقع نوعی کارگزاری و عاملیت مراکز دینی است که در آنجا چه کارهایی لازم است انجام شود. دومین وظیفه این است که به‌هرحال مساجد و زیارتگاه‌هایی وجود دارند، مدیرانشان می‌خواهند آنها را توسعه بدهند، پس به‌ناچار با سازمان شهرداری و دیگر مراکز دولتی مواجه می‌شوند. آنها اگر بخواهند یکسری نشانه‌های مذهبی در سطح شهر بگذارند، با مراکز فرهنگی مواجه می‌شوند. چون می‌خواهند آمدوشدی داشته باشند، با مراکز حمل‌ونقل شهری مواجه می‌شوند. این همان جنبه مدیریت کلیسا است که از نظر شلایرماخر در کنار خدمات کلیسا وجوه اصلی الهیات عملی هستند. اگر قرار است نتایج مباحث الهیات عملی آن شود که مثلاً



یک مرکز بزرگ دینی مثل «آستان قدس رضوی» در مشهد که تاکنون تجربه‌اش را هم داشته، طوری فصل‌بندی یا تقسیم مسئولیت کند که مسئول و خادم در آنجا، خدماتی را به زائران حرم مطهر رضوی عرضه کند؛ مثلاً اگر زائری خواست نذرش را بدهد، یا زائری مریض شد و خواست به پزشک مراجعه کند یا به دلیل معلولیت و ناتوانی نیازمند کمک‌هایی باشد، چه تسهیلاتی باید فراهم شود؟ به‌طور طبیعی یکی از اهداف آستان قدس این خواهد بود که به خدمات توجه کند و با کمک مراکز شهری و حکومتی تسهیلاتی را برای تثبیت موقعیت و مدیریت خود و نیاز زائران فراهم نماید.

باین‌حال، شلایرماخر در بند ۲۶۹ الهیات عملی را در جست‌وجوی دو هدف معرفی می‌کند: اول، تأثیر بر زندگی انسان و دوم، فعالیت‌های راهبردی در نظام عبادی، و همچنین فعالیت‌های راهبردی در تنظیم اخلاق یا احساسات؛ شلایرماخر بر احساسات و روحیات تأکید زیادی دارد. بنابراین، الهیات عملی از نظر وی، با زندگی، عبادت و احساسات و روحیات درگیر است. به‌این‌ترتیب، شلایرماخر در کتاب *خلاصه‌ای برای مطالعه الهیات*، بر آن است که نشان دهد چگونه می‌شود رشته‌های ناهمگونی که در الهیات مدرن پدید آمده‌اند به یک تلاش هماهنگ برای کلیسا تبدیل کرد؛ هرچند، فقدان دستگاه انتقادی یا تفسیر هرمنوتیکی معاصر در زمان وی، از برخی جهات، کتاب او را به یکی از آثار تاریخی تنزل می‌دهد (Heaps, 2011).



اهمیت یافتن الهیات عملی پس از شورای جهانی واتیکان دو

• در قرن بیستم و با برگزاری شورای جهانی واتیکان دو از سوی رهبری کلیسای کاتولیک و انتشار منشور مهم آن در ۱۹۶۵، الهیات عملی رشته‌ای مهم و مرکزی در بین سه رشته الهیاتی دیگر یعنی الهیات متن مقدس^۲، الهیات تاریخی و الهیات آموزه‌ای شد. امروزه، الهیات عملی رشته‌ای است که در تمام فرقه‌های مسیحیت کاربرد دارد و در واقع، بازتاب و پژواک عمل و عرف مسیحی است تا ارتباطش را با جهان مدرن در قالب خدمت‌رسانی به جهان گسترش دهد و در تأمین این هدف در تلاش است تا مؤثرترین راه رساندن عشق و مهر پروردگار به مسیحیان و... را پیدا کند. الهیات عملی به تمام فعالیت‌های جامعه مسیحیان دین‌ورز در درون و بیرون اطلاق می‌شود. در الهیات عملی تأکید می‌شود که کلیسا صرفاً یک جماعت ایمانی نیست که از بالا با سلسله‌مراتب اسقف‌ها و مانند آنها رهبری شود، بلکه جماعتی متشکل از کشیشان و افراد عادی است و هریک برای جامعه مسیحی هدایایی ویژه به

ارمغان می‌آورند. هدف الهیات عملی این است که در مورد شیوه‌های فعلی مناسک و ریشه‌های الهیاتی آنها تأمل کند تا به‌طور انتقادی شکل و شخصیت آنها را تشخیص دهد. در الهیات عملی سعی بر آن است که شیوه‌های وفادارانه‌تر و عمیق‌تری معرفی شود تا آنهایی که گناهکار هستند، اصلاح شوند و با وضوح بیشتری تشخیص دهند که چگونه فضیلت‌های مسیحی کتاب مقدس را زندگی کنند (Bowald, 2020).

به گفتهٔ (Ray Anderson 2001, pp. 23-26)، استاد سابق الهیات و روحانیت مسیحی در حوزهٔ علمی الهیاتی فولر، اولین کسی که الهیات عملی را در دورهٔ جدید تعریف کرد، سی‌ای نیش^۳ بود که آن را «تئوری کارآمدی کلیسا» دانست. اندرسون همچنین از جان سوینتون^۴ نقل می‌کند که الهیات عملی را «تأمل انتقادی بر کارهای کلیسا، در پرتو انجیل و سنت مسیحی» می‌داند.

۱- مرکز الهیات عملی در مدرسهٔ الهیات عملی دانشگاه بوستون، الهیات عملی را رابطهٔ متقابل تقویت بین آموزش و پژوهش الهیات، و تجربهٔ واقعی و نیازهای جوامع مسیحی توصیف کرده و آن را چشم‌اندازی پویا از شبکهٔ نهادهای کلیسایی، دانشگاهی و اجتماعی می‌داند که با هم، رهبران عالی روحانی و جوامع مسیحی سالم و پر جنب‌وجوش را حفظ می‌کند. همچنین، الهیات عملی اصل هدایت‌کنندهٔ توسعهٔ برنامهٔ درسی است که باعث ایجاد همکاری‌ها و ارتباطات بین مدرسه و هیئت‌های مذهبی و رهبران روحانی در سراسر کشور می‌شود (What is Practical Theology?, n. d.).

از سوی دیگر، ریچارد اوسمر، استاد مدرسهٔ الهیاتی دانشگاه پرینستون، در کتاب خود با عنوان مقدمه‌ای بر الهیات عملی، به تفصیل در مورد چالش‌های جهانی و خاص در کلیساها سخن گفته است. او در این کتاب کوشیده است به رهبران جماعات و هیئت‌های مسیحی — و نه لزوماً رهبران روحانی — پیامی دهد که چگونه با این چالش‌ها مواجه شوند. او در این تحقیق، به چهار پرسش کلیدی پاسخ می‌دهد: «در یک زمینهٔ خاص، چه اتفاقی می‌افتد؟ چرا این اتفاق می‌افتد؟ چه اتفاقی باید افتاده باشد؟ و چگونه یک رهبر [کلیسایی] ممکن است زمینه را برای تجسم بهتر شهادت و مأموریت مسیحی شکل دهد؟» (Osmer, 2008, pp. 24-34). دغدغه‌های طرح‌شده در کتاب اوسمر، گواه بر آن است که به‌رغم گذشت دو قرن از معرفی الهیات عملی از سوی شلایرماخر، هنوز این عنوان بیشتر ناظر به مدیریت کلیسایی و پرداختن به بحث‌ها و چالش‌های موجود در کلیساها، و مشکلات موجود بر سر راه رهبران کلیسا در

3. C.I. Nitzsch

4. John Swinton



حفظ و حراست از نهاد کلیسا و ایمان مؤمنان است. در عین حال، اوسمر به وجوه جدیدی در الهیات عملی اشاره می‌کند و معتقد است بصیرت پیامبرانه^۵ بر دو مؤلفه استوار است: آشکارگی الهی^۶ و شکل‌گیری انسان از کلام خدا. پیامبران از سنت‌های الهیاتی خاص خود برای انتقاد از الهیات عرفی و رسمی [ازمانه خویش] و شیوه زندگی مواجه شده از سوی دینداری‌های رایج استفاده می‌کنند. آنها شرایط، رویدادها و انتخاب‌های اجتماعی بسیار خاص را در زمانی خاص در پیشگاه جامعه عهد بسته (مؤمن)^۷ تفسیر الهیاتی می‌کنند (Osmer, 2008, p. 135). به این ترتیب، اوسمر هم مراقبت و دغدغه تحول شخصیتی افراد مؤمن (شکل‌یافتن از کلام الهی)، که به «الهیات شبانی»^۸ معروف است، و هم تغییرات و تصمیمات خاص اجتماعی را، از کارکردهای الهیات عملی می‌داند و این چیزی بیشتر از صرف مدیریت جامعه کلیسایی است. در دهه‌های اخیر، الهیات عملی به عنوان عرصه‌ای پر جنب و جوش و خلاق، نمود یافته است. این امر در دهه ۱۹۶۰ با «بحث جدید» الهیات عملی آغاز شد. در دهه‌های بعد، این بحث با انتشار برخی متون بی‌بدیل در الهیات عملی و ایجاد انجمن بین‌المللی الهیات عملی شتاب بیشتری گرفت. امروزه، الهیات عملی بحثی حقیقتاً بین‌المللی، و گفتوشنودی است که بسیاری از محققان مشهور در آن مشارکت دارند.

الهی‌دانان الهیات عملی برنامه‌های تحقیقاتی متنوعی را پیش می‌برند و سهم سازنده و علمی خود را در تشکیلات [الهیات عملی] به‌منزله یک کل ایفا می‌کنند. درست نیست این عرصه را صرفاً مربوط به وظایف طبقه روحانیون یا زندگی جماعت‌های مسیحی بدانیم. دامنه این رشته، شامل مسائلی با اهمیت عمومی فراتر از کلیساست و اغلب در جهت شکل‌دادن به سیاست عمومی و تحول اجتماعی است. اوسمر، برای مثال، به وِن در وِن نویسنده کتاب *الهیات عملی: رویکردی تجربی* اشاره می‌کند که در سالهای اخیر طرحی تحقیقاتی را درباره نگرش جوانان به حقوق بشر، با توجهی ویژه به تأثیر دین بر این نگرش‌ها، راهبری کرده است. او همچنین می‌افزاید که دان براونینگ، نویسنده کتاب *الهیات عملی بنیادگرا* به‌تازگی رهبری گروهی تحقیقاتی را برعهده داشته است که خانواده آمریکایی را مورد مطالعه قرار داده و به بحث سیاسی پر تنش ارزشهای خانواده در ایالات متحده کمک کرده است. به باور اوسمر، این دو نمونه از نمونه‌های فراوانی است که نشان می‌دهد الهی‌دانان الهیات عملی، بر موضوعات مهم در جهت منافع عمومی و نه صرفاً کلیسا، تمرکز می‌کنند. در واقع، اوسمر ادعا می‌کند که در مطالعات اخیر، دامنه الهیات عملی، کل شبکه زندگی را فرامی‌گیرد (Osmer, 2008, pp. ix, x).

5. Prophetic discernment
6. Divine disclosure
7. Covenant community
8. Pastoral Theology



الهیات عملی: کارآمدی و کاربردی

آنچه تاکنون از الهیات عملی گفته شد، به شاخه‌ای از الهیات اشاره دارد که هدف آن مطالعه و اجرای شیوه‌های درست و موفق ادارهٔ نهادهای دینی و چگونگی تربیت عوامل انسانی مؤثر برای آنهاست. اما همچنان که پیشتر اشاره شد، در دهه‌های اخیر، رویکردهای شامل‌تر و گسترده‌تری در قلمرو الهیات عملی دیده می‌شود که نمی‌شود آنها را همچون گذشته به الهیات عملی به معنای «کارآمدی»^۹ فروکاهید. این رویکرد جدید را می‌شود الهیات عملی «کاربردی»^{۱۰} نامید. الهیات عملی به معنای کاربردی آن، به عمل‌درآوردن اصول در قلمرو عمل یا ساحت زندگی مؤمنان است. الهیات به‌خودی‌خود، توضیح اصول یک دین است، اما الهیات کاربردی این اصول را در صحنهٔ عمل مؤمنان تبلور و تجلی می‌دهد. اگر مأموریت الهیات نظری، تبیین و تدوین اصول و ارکان یک دین است، مأموریت الهیات عملی، نه‌تنها مؤثرسازی عوامل جوامع و نهادهای دینی در ترویج و تبلیغ آن اصول و ارکان، که ارائهٔ راهکارهایی در عینیت‌بخشی آن اصول، در جهان زیست مؤمنان است. برای نمونه، اگر الهیات نظری بر «راستگویی» به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین دینی تأکید دارد و در این زمینه به توضیح و توجیه این مهم مبادرت می‌ورزد، در الهیات عملی، ما نه‌تنها نیازمند نهادها و نیروهای انسانی مؤثر در تبلیغ و دعوت به این مهم هستیم، بلکه با ترسیم یک الگوی زیست‌اخلاقی، زمینه‌های کاربرد و کاربست نظام اخلاقی را در حیات طیبۀ مؤمنانه، «تمرین» و «تجربه» می‌کنیم.

گربن هایتینک الهیات عملی را «نظریهٔ الهیاتی تجربه‌گرای میانجی ایمان مسیحی در عمل جامعهٔ مدرن» تعریف می‌کند. از آنجا که رویکرد فلسفی او در کتابش به‌شدت تحت‌تأثیر پل ریکور و یورگن هابرماس است، الهیات عملی را شامل چندین زیرمجموعهٔ مرتبط می‌داند: الهیات کاربردی، رشد کلیسا، مدیریت، فن‌خطابه، شکل‌گیری معنوی، الهیات شبانی، مسیر معنوی، الهیات معنوی، الهیات سیاسی، الهیات عدالت و صلح، و حوزه‌های مشابه (Heitink, 1999).

نمونهٔ پایانی در چرخش رویکرد به الهیات عملی از کارآمدی به کاربردی، مجموعه‌ای است با عنوان راهنمای بین‌المللی الهیات عملی که با ویراستاری بیرگیت ویل و همکارانش (۲۰۲۲) چاپ شده است. در این کتاب، الهیات عملی در یک تراز جهانی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در فصل سوم کتاب، و در «رویکردهای نظری به الهیات عملی جهانی» دربارهٔ انسان‌شناسی دین، مطالعات جنسیتی، هرمنوتیک فرهنگی دین، پدیدارشناسی، مطالعات پسااستعماری در الهیات عملی، تئوری عمل، روان‌شناسی دین، دین و مطالعات

9.Efficiency

10.Applied



جامعه‌شناختی، تعلیم و تربیت دینی، ادبیات دینی، تئوری‌های ارتباطات دینی و مطالعات مناسک بحث و بررسی شده‌اند.

بر همین اساس، الهیات عملی صرفاً برای جماعت ایمانی یا همان رهبران کلیسا نیست، بلکه افراد عادی هم در آن مسئول هستند. هدف غایی الهیات عملی هم یافتن روش‌هایی است که نیازهای معنوی، روان‌شناختی، اجتماعی و مادی افراد را پاسخ دهد. همان‌طور که اشاره شد، در کلیسای کاتولیک، الهیات شبانی گاهی مترادف با الهیات عملی به کار می‌رود، چون الهیات شبانی همان ارتباط معنوی است که روحانیت مسیحی با مردم پیدا می‌کنند و می‌شود گفت آموزه‌هایی را که در الهیات تاریخی و فلسفی بحث می‌شود، به مردم می‌چشاند. اخیراً در الهیات عملی تاکید و تمرکز بیشتری بر تقویت فقرا شده است. کسانی که با تاریخ مسیحیت آشنا هستند می‌دانند که پس از مارکسیسم شوروی، جریانی در کشورهای امریکای لاتین ایجاد شد و کشیش‌های مسیحی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم به حمایت از فقرا روی آوردند که جنبش الهیات رهایی‌بخش^{۱۱} نام‌گذاری شد. البته در ادامه، با مخالفت شدید کلیسای کاتولیک مواجه، و رو به افول نهاد و در پایان، کلیسای کاتولیک ابتکار عمل را در دست گرفت (مگ‌گراث، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۵-۱۹۷). نتیجه اینکه، در چیستی الهیات عملی، می‌شود از دو رویکرد سخن گفت: الهیات عملی کارآمد در رهبری کلیسا و الهیات عملی به‌کاررفته در جهان‌زیست مؤمنان در مواجهه با چالش‌ها و معضلات جامعه انسانی (اعم از مؤمنان و غیرمؤمنان).



سطوح تأثیرگذاری الهیات عملی

با توجه به بایستگی‌های الهیات عملی و اینکه شبکه مسائل مورد توجه در الهیات عملی چیست و برد آن تا کجاست، این بخش به چهار سطح دسته‌بندی می‌شود:

الف) آموزه‌ای: اولین سطحی که از الهیات عملی به ذهن متبادر می‌شود، تلاش در جهت تحقق آموزه‌های الهیاتی در جامعه است. الهیات عملی مستلزم این است که مصادیق آموزه‌هایی مانند توحید، عدل، هدایت، امامت و نظایر آن در جامعه روشن شود و دغدغه اصلی این باشد که مفاهیم نظری الهیات فلسفی و تاریخی در جامعه محقق شوند.

ب) اخلاقی: سطح دیگر در الهیات عملی، این است که ارزش‌های اخلاقی، که گوهر همه ادیان الهی است، در جامعه گسترش یابد. بر همین اساس، داشتن برنامه‌ای جامع و دقیق برای مبارزه با هرگونه کاستی و ناراستی هنجاری و اخلاقی در جامعه ضروری است تا ضدارزش‌هایی چون دروغ، فقر، تبعیض، و... از دامن جامعه زداییده شود.

ج) زیستی: در این سطح به محیط زیست و کلیهٔ شئون و اطوار زندگی شهری و روستایی درست و سالم، شامل تغذیه، بهداشت، آموزش و اقتصاد توجه می‌شود؛ یعنی تمام صحنهٔ زندگی صحنهٔ مقدسی در پیشگاه خداست، بنابراین باید زیستن را با به‌کارگیری ضرورت‌های عمومی انسانی، در مسیری درست و مرضی پروردگار پیش برد.

د) جهانی: الهیات عملی علاوه بر سه سطح پیش‌گفته، وجههٔ همتش را در سطح جهانی بلندتر نموده و به تلاش در جهت ترویج صلح و امنیت و مشارکت در کاهش بحران‌ها و حل مسائل و مشکلات عموم انسان‌ها در سراسر جهان مبادرت می‌ورزد.

به‌این ترتیب، الهیات عملی را باید در تحقق چهار سطح از کارآمدی و کاربردی الهیات در جامعه تصویر نمود. از تبیین و ترویج مفاهیم الهیات فلسفی و تاریخی گرفته تا اصلاح و تغییر در جهان زیست انسان‌ها؛ از عینیت‌بخشی به آموزه‌های نظری تا رفع نقصان و ناهنجاری‌های اجتماعی؛ و نیز دغدغه‌مندی و اتخاذ تصمیم و فراخوان مؤمنان در برداشتن گام‌های مؤثر در حل معضلات زیستی و جهانی.

دوگانهٔ ساحت قدسی و ساحت عرفی

یکی از دغدغه‌های مهم در بحث بایستگی‌های الهیات عملی در جامعهٔ انسانی، این است که آیا ساحت قدسی آفرینش، ساحتی افزون بر ساحت عرفی موجود در جامعه است یا ساحتی آمیخته با عرف جامعه؟

تقابل این دوگانه را شاید از افلاطون به ارث برده‌ایم؛ زمانی که عالم صور و مُثُل را از عالم واقع جدا کرد و عالم واقع را بدل و تصویری تنزل‌یافته از عالم حقیقی دانست. البته، افلاطون هیچگاه کتاب مستقلی دربارهٔ مُثُل ننوشت، اما در انتهای کتاب ششم جمهوری در تبیین مراتب هستی و معرفت متناظر با آن، به نظریهٔ مُثُل پرداخته است (افلاطون، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۵۱). از آن پس، تفکیک ساحت قدسی از ساحت عرفی کلید خورد و ما را بر آن داشت تا همواره چنین بیندیشیم که ساحت قدسی یک ساحت جدا، مستقل و فراتر از ساحت عرفی است (محدثی، ۱۳۹۷).

اگر به این تفکیک قائل باشیم و بخواهیم الهیات عملی را مثلاً در شهر ظهور و بروز دهیم، در ارتقای از حالت عرفی به ساحت قدسی، معمولاً اولین اقدام تکثیر و انتشار نمادها و نشانه‌های دینی در سطح شهر است؛ مانند افزایش تعداد مساجد و معابد، ترویج تابلوها و دیوارنوشته‌هایی با مضامین دینی، یا افزایش وسعت اماکن مذهبی در شهرها.



خطای معرفتی تقسیم‌بندی شهرها به مذهبی و غیرمذهبی

شهر یکی از پدیده‌های مهم بشری است که تأثیری شگرف بر شیوه‌های زندگی، صورت‌بندی‌های اجتماعی و حتی حیات دینی انسان‌ها دارد. در مطالعات شهری، بیشتر بر قلمرو عرفی تمرکز شده و به‌ندرت به نسبت بین صورت‌بندی کلان جامعه (شهر یا روستا) و امر قدسی توجه می‌شود. به همین سبب، با طرح مفاهیم خاص و استثنایی مانند شهرهای مذهبی (مشهد، قم) گویی نسبت مهم و معناداری میان شهر و دین برقرار نیست و عملاً مطالعات دین در شهر به حاشیه رانده شده است.

به نظر می‌رسد که اساساً تقسیم‌بندی شهرها به مذهبی و غیرمذهبی، نوعی خطای معرفتی است که ما را دچار این مغالطه کرده است. در ایران تنها دو شهر مذهبی رسمی داریم: مشهد و قم. بقیه شهرها غیرمذهبی‌اند. اختصاص دادن ساحت قدسی به اماکن مذهبی، زیارتگاه‌ها و مساجد، در واقع، دلیلی است بر اینکه زندگی در جامعه انسانی، در اصل، یک زندگی غیرمذهبی است و ما می‌خواهیم آن را با این نمادها مذهبی کنیم. این فرض رهن است به اینکه شهر و اجتماع انسانی، عرفی و غیرمقدس است، لذا باید به آن ظاهری قدسی بخشیم. اگر تلقی ما از الهیات عملی این باشد که مثلاً براساس طرحی در ستاد اقامه نماز کشور، از این به بعد در هر مرکز تجاری که ساخته می‌شود، باید یک مسجد هم ساخته شود، باز همان تلقی است که ما در یک فضا و ساحت عرفی زندگی می‌کنیم و باید نمادهای مذهبی را به آن اضافه کنیم تا فضا مذهبی شود. در دانشگاه داریم درس می‌خوانیم؛ فیزیک، فلسفه، ریاضی و پزشکی، سپس برای مذهبی‌ساختن محیط علمی، یک گروه معارف اضافه می‌کنیم تا دانشگاه دینی شود. اینها همه ناشی از این است که فرض کرده‌ایم ساحت زندگی بشری ساحتی غیردینی است و باید آن را مقدس سازیم؛ یعنی با دست خودمان نوعی کفر را به خلقتی که خدا صورت داده، رنگ می‌زنیم. گمان می‌کنیم که آفریده‌های خدا غیرمقدس بوده و ما مأموریم که حیات را مقدس نماییم.

یکی از بحث‌های بسیار ضروری در الهیات عملی و راهبردهای دینی‌سازی جامعه، الهیات مکان^{۱۲} است. (کیتی دی، ۱۴۰۰). همان‌طور که نوع معماری ساختمان‌ها در شهر ممکن است در این زمینه اثرگذار باشد، اگر شکل تاریخی و سنتی نیز در معماری لحاظ گردد، قاعدتاً به معنوی‌ساختن فضای شهر کمک می‌کند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳). همچنین، در کنار بومی‌سازی و ملی‌سازی و نشان‌دادن المان‌های تاریخی که نشان‌دهنده فرهنگ یک کشور است، باید دید که دین با آن دغدغه‌های بسیار مهم خود که بخشیدن نوعی آرامش روحی - روانی یا مراقبت و شفقت به انسان‌هاست، چگونه از سبک معماری و شهرسازی بهره‌مند



می‌شود. نوع شهرسازی باید چگونه باشد که وقتی در خیابان راه می‌رویم، حس کنیم شلوغ نیست و تزامم و برخوردی به وجود نمی‌آید. اگر بخواهیم غایات دین در الهیات عملی در نظر گرفته شود، هر چقدر که شهر بسیط‌تر، و عاری از آلودگی‌های صوتی و تنفسی، و روان در عبور و مرور، و بهره‌مند از پارک‌ها و فضاهای ورزشی باشد، اخلاقی‌تر و معنوی‌تر است.

الهیات عملی و اقشار مختلف جامعه

در باب بایستگی‌های الهیات عملی، لازم است به سطوح و اقشار عامل و درگیر در دینی نمودن جامعه پرداخته شود. در این زمینه، ضمن در نظر گرفتن اقتضات تاریخی و جغرافیایی آن جامعه، سه عامل راهبردی را می‌شود مطرح کرد:

(۱) رهبران و کارشناسان: وقتی از الهیات عملی صحبت می‌شود آیا مراد این است که به تقویت نهادهای رسمی دینی پرداخته شود یا از این سطح پیشتر رفته و از همه کسانی که دانش دینی و الهیاتی دارند برای حل مسائل کشور دعوت شود تا آنچه را آموخته‌اند، در صحنه عمل به نمایش بگذارند.

(۲) مؤمنان: راهبرد دیگر این است که علاوه بر نهادها و کارشناسان الهیاتی، مردم عادی نیز به انجام مسئولیت‌های اجتماعی‌شان به‌عنوان فریضه دینی ترغیب شوند؛ یعنی وظیفه ویژه الهیات عملی نباید به مأموریت نهادهای دینی یا عالمان دینی محدود شود، بلکه همه مردم متدین به‌عنوان یک فریضه، باید به دنبال تحقق اهداف دینی باشند.

(۳) شهروندان: راهبرد سومی هم وجود دارد، و آن اینکه دین را دغدغه‌مند مسائل و معضلات کل جامعه بدانیم (آن‌گونه که امام موسی صدر می‌دید). در این صورت، نباید فقط مشارکت افراد مذهبی و خدایابور را کافی دانست، بلکه باید همه کسانی را که در یک کشور زندگی می‌کنند، در توسعه و رشد آن به‌عنوان یک مسئولیت الهی انسانی، سهیم کرد.

الهیات عملی در جهان اسلام: بررسی سیره الهیاتی سیدموسی صدر

تا اینجا، گزارشی از پیشینه و نگاه‌های جدیدی که در چیستی الهیات عملی به وجود آمده است، و نیز بایستگی‌ها و اقتضات دینی‌سازی جامعه ارائه شد. اکنون با توجه خاص به حوزه مسلمانان، و از باب ارائه الگوهایی که دغدغه‌مند و معنابخش عملی به جامعه دینی بوده‌اند، در این مقاله نمونه‌ای ممتاز معرفی شده است. کسی که مسئولیت الهی خویش را بیش از تنظیم و تحکیم الهیات نظری و تاریخی، و برگزاری درس و بحث فقه‌ای و اجتهادی، در معنابخشی به الهیات عملی و دینی‌سازی جامعه می‌دانست. در بین الگوهای شایسته و متناسب با تعاریف و بایستگی‌های الهیات عملی در جامعه مسلمانان، بی‌شک سیدموسی صدر



از اولین‌ها و برترین‌هاست. هرچند، نفس ظهور و بروز انقلاب اسلامی در ایران، و دغدغه‌های متعالی رهبران آن، به انگیزه و هدف عملی‌ساختن الهیات در جامعه ایران بوده است و در این مسیر، تجربه گرانسنگی از فرازونشیب‌های عملیاتی کردن آموزه‌های اعتقادی و الهیاتی در جامعه به دست آمده است. در این مقاله، تنها به این نمونه ارزشمند تاریخ معاصر ایران و لبنان در الهیات عملی توجه شده است.

امام موسی صدر یکی از شخصیت‌های کم‌نظیر در حوزه الهیات عملی، به‌ویژه در بین شیعیان، است. دیدگاه ایشان درباره الهیات و دین، بیش از دینداری، متوجه دین‌ورزی است. او در تفسیر سوره ماعون که پربرسامدترین ارجاعش به قرآن است، انواع دین را به دین مناسکی و دین ماعونی تقسیم می‌کند. دین مناسکی، دینی است که دغدغه علما و دین‌ورزشان عمل به واجبات شریعت است، اما دین ماعونی، دینی است که دغدغه رهبران دینی و مؤمنینش، خیررسانی به جامعه و استفاده از ظرفیت دین در رفع معضلات اجتماعی و گرفتاری‌ها و فقر و بحران‌های اجتماعی است. دین امام موسی صدر در خدمت زندگی است: «دین، پیش از آنکه توشه آخرت باشد، والاترین وسیله برای زندگی است» (ضاهر، ۱۳۹۶، ج. ۲، ص. ۸۰). او همه باورها، ارزش‌ها و دستورالعمل‌های دینی را در رویکردی الهی و شمول‌گرایانه به انسان و جهان، برای تعامل در همزیستی انسان‌ها از هر مذهب و دین و در تلاش برای گره‌گشایی گونه‌های مختلف معضلات اجتماعی معنا می‌کند. او با اتخاذ موضعی مسئولانه و فعال می‌گوید: «کار دین آسان کردن وضع انسان و موفقیت او در زندگی است و نه منفعت و مصلحتی فراتر از آن» (همان، ۱۳۹۶، ج. ۱۰، ص. ۱۹۹-۲۰۲).

ایشان در سال ۱۹۶۸ در جمع برخی از رؤسای دانشگاه‌ها و کشیش‌های مسیحی در دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پدران یسوعی سخنرانی‌ای با نام «دین در جهان امروز» ایراد کرد. او در آن سخنرانی می‌گوید:

«مایلم در اینجا مسئله را بیشتر باز کنم تا مقصود از سازندگی را در دین بیان کنم. وقتی می‌گوییم سازندگی دینی [الهیات عملی]، مقصود ما تنها ساخت مسجد و کلیسا نیست و در بخش دینی هم مقصود ما تنها نماز و روزه نیست؛ منظور ما هر آن چیزی است که برآمده از تمدن انسان و نقش انسان در زندگی باشد، و هر چیز که از نتیجه فعالیت انسان در مدت زندگی‌اش باشد. این اعمال هرگاه به نیت صحیح صورت گیرد آن را عبادت و سازندگی و عمل مقبول درگاه خداوند می‌نامیم» (صدر، ۱۳۹۸، ص. ۲۲).

بنابراین، امام موسی صدر دین‌ورزی را نه در انجام مناسک و واجبات، بلکه هر چیزی دانسته که در زندگی انسان مهم است و باید مورد توجه قرار بگیرد و آن را یک وظیفه دینی



و الهیاتی می‌داند.

در بخش دیگری ایشان می‌گوید:

«نظام دینی مرحله‌ای از تاریخ شده است که وضعیت و عوامل خود را دارد و مانند هر مرحله دیگر نابود می‌شود. نهادهای دینی در غرب جزئی از نهادهای امروزی شده‌اند و هیچ نقش اساسی ندارند. همراه کاروان تمدن جدید حرکت می‌کنند، بدون اینکه آن را رهبری کنند. در برخی از کشورهای مشرق‌زمین نهادهای دینی مانند حاکمان سابق کاملاً منزوی هستند و در برخی دیگر، آنچنان دچار ضعف شدند که تنها در میان گروه‌های خاصی رونق دارند و مختص به افراد گروهشان هستند. اگر از حد و مرزهای تحمیل‌شده بر آنها فراتر نروند بر آنها احترام دارند. رسوبات و باقی‌مانده‌هایی در قلب‌های مردم هستند و می‌توان گفت که بخشی از عقل باطنی را تشکیل می‌دهند. تجربه‌های دینی تنها افتخار و عظمت برای گذشته‌های امت‌ها شده است» (صدر، ۱۳۹۸، ص. ۱۵).

سیره امام موسی صدر در لبنان هم همین بود و بیش از اینکه مدرسه‌ای بسازد و درس و بحثی ترتیب دهد، درگیر رفع معضلات مردم بود و در نگاهش، شیعه و مسیحی و سنی فرقی نداشت؛ یعنی جامعه لبنان را جامعه‌ای می‌دید که به همه آنها باید کمک بشود و در این مسیر، دین را توانمند و مسئول در حل مشکلات جامعه لبنان می‌دانست. او تأکید می‌کرد که به انسانی که تنها اعمال عبادی خود را انجام می‌دهد، نمی‌شود مؤمن گفت. چنین انسانی به کارهای دیگر مردم که به اصطلاح امروز به آن «زندگی انسان بر روی زمین» می‌گویند توجهی نداشته و ارتباط شخص با دیگر شخص و با عالم هستی را در نظر نمی‌آورد (صدر، ۱۳۹۸، ص. ۲۴).

بایستگی‌های الهیات عملی امام موسی صدر

الف) کرامت انسانی: زیربنایی‌ترین لایه در دین‌شناسی امام موسی صدر، انسانیت و کرامت انسانی است. اگر به سیره دین‌ورزی او نظر افکنیم، مبنای کرامت انسانی به لایه‌های بعدی دین‌شناسی وی لبریز می‌شود و به بازتعریف و بسط و کارکردبخشی و معنادهی به لایه‌های رویین و شرایع متداول دینی می‌انجامد. او در تفسیر آیه ۱۶۹ سوره آل عمران، «سبیل‌الله» را همان سبیل یا «راه انسان»، و خشنودی خدا را در خدمت به انسان می‌بیند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج. ۶، ص. ۱۴۱-۱۴۳).



ب) برابرنگاری همه انسان‌ها: در دین‌شناسی امام موسی صدر، برخلاف برخی دینداران و عالمان دیگر، کرامت و حرمت انسان در انحصار پیروان فرقه یا دین خاصی نیست. در نگاه وی تمامی ابنای بشر از کرامت برخوردارند. این برابری، محصول یک نگاه الهیاتی شمول‌گرایانه است. همچنان‌که در تفسیر سوره توحید می‌گوید: «خداوند فرزند و نوه و خانواده ندارد. خداوند پدر و مادر و فرزند و عمو و دایی و خاله و پسر دایی و پسر خاله ندارد. بنابراین، خداوند عشیره و قبیله و بندگان و جماعت خاص ندارد. همه مردم در برابر خدا مانند دانه‌های شانه مساوی‌اند» (صدر، ۱۳۸۸، ص. ۲۱). چراکه وقتی انسان‌ها مساوی باشند، همکاری میان آنان آسان می‌گردد. در آن صورت، کسی بر دیگری برتری ندارد یا بی‌نیاز از دیگران نیست تا تعاون و همکاری صورت نگیرد. قبول این مسئله که افراد بشر با یکدیگر مساوی‌اند، ارتباط و همکاری و همچنین همزیستی را آسان می‌کند. در این صورت، در میان انسان‌ها بی‌نیاز کامل یا نیازمند کامل پیدا نمی‌شود، بلکه هر شخصی از بعضی جهات غنی و از دیگر جهات نیازمند است. بنابراین، هم عطا می‌کند، هم می‌گیرد. در حالی‌که اگر گمان کنیم که بعضی از انسان‌ها از دیگران بی‌نیازند، تعاون و همکاری مشکل می‌شود. از سوی دیگر، وقتی بپذیریم که انسان‌ها همگی قدیس و مصون از خطا نیستند، پذیرفته‌ایم که هر فردی در معرض اشتباه است و نیاز به مشورت دارد و این امر همفکری میان انسان‌ها را پی می‌ریزد. انسان به همفکری و همکاری اجتماعی نیازمند است و این نتیجه ایمان به تساوی افراد بشر است. به همین ترتیب، وقتی بگوییم که همه حرکات و فعالیت‌های ما منبث از خدای یکتاست، از وحدت مبدأ و هماهنگی حرکت‌ها چیزی حاصل می‌شود که تعاون میان انسان‌ها را تسهیل می‌کند (صدر، ۱۳۹۲، ص. ۳۰۲).

ج) عذر نهادن: انسان یکتاپرست در برابر خدا، خاک و در برابر خاک، خداست. همه ما انسان‌ها به‌رغم تفاوت‌ها و برتری‌طلبی‌ها و اختلاف طبقاتی زیادی که با هم داریم، در یک چیز مشترکیم و آن اینکه همه مخلوقیم. همچون نسبت اعداد به بی‌نهایت، همه ما در مقابل خالق بی‌منتها، صفر هستیم. این نسبت، وجه اشتراک مناسب و یکی از پیش‌شرط‌های الهیات عملی امام موسی صدر است. سیدموسی صدر با توجه به مخلوق بودن همه طرف‌های انسانی و در نتیجه ناتوانی‌های ذاتی و معذور بودن آنها در موقعیت‌هایی مشخص عنوان می‌کند: «از نظر انسان یکتاپرست، جامعه برگرفته از سرچشمه‌ای واحد؛ یعنی خداست و این به معنای برابر بودن و برادر/خواهر بودن و پاک بودن و توانمند بودن افراد و مخلوق بودن افراد و به تمام معنا، ناتوان و معذور بودن افراد است» (ضاهر، ۱۳۹۶، ج. ۸، ص. ۱۹۹-۲۰۲).



د) اعتماد و احترام و محبت متقابل: از نگاه امام موسی صدر، اعتماد و احترام و محبت متقابل یکی از پیش‌شرط‌های تحقق دین در جامعه است. او بر این باور است که کارآمد بودن دین، چه در بین افراد و چه در سطح محلی و ملی باید در فضای اعتماد و احترام و محبت صورت پذیرد و از تردیدافکنی و اتهام‌زنی نسبت به یکدیگر پرهیز شود (همان، ۱۳۹۶، ج. ۲، ص. ۱۲۰).

با توجه به موارد یادشده، روشن می‌شود که راهبرد امام در الهیات عملی، شامل نمودن همهٔ اقشار جامعه، اعم از رهبران و پیروان، مؤمنان و غیرمؤمنان، و در مجموع، همهٔ شهروندان جامعه است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، در راستای چیستی و بایستگی الهیات عملی، به پیشینهٔ این اصطلاح در آکادمیا و نسبت آن با الهیات نظری و تاریخی پرداخته شد و نشان داده شد که از همان آغاز، الهیات عملی، غایت‌نهایی همهٔ رشته‌های الهیات تلقی می‌شده است. سپس، به‌طور تعریف الهیات عملی پرداخته شد و ضمن پیشنهاد دو اصطلاح «کارآمدی» و «کاربردی»، اولی مطمح نظر الهی‌دانان در آغاز، و متوجه کارآمدی کلیسا و تربیت رهبران دینی، و اصطلاح دوم در ادامه، و با استناد به دیدگاه الهی‌دانان جدید در حوزهٔ الهیات عملی، دغدغه‌مند کاربرست الهیات نظری در جامعه، و ساحات و شئون مختلف زندگی انسانی، و تحقق مفاهیم بلندی چون توحید، عدالت، شجاعت، سخاوت، شفقت، و مراقبت از هم‌کیشان و دیگر بندگان پروردگار، معرفی شدند.

همچنین با اشاره به الهیات مکان، نقشی که مکان می‌تواند در ترویج، تولید و تعمیق الهیات در جامعه و شهر، بازی کند، بیان گردید. در این مقاله گفته شد که اماکن شهری بیرون از درب‌های مساجد و زیارتگاه‌ها نیز، نقش مهمی در دینی‌سازی محیط و افراد دارند، زیرا شهرها زیست‌محیط‌های پویایی هستند که در آن، فضاهای فیزیکی و تجربهٔ انسانی تعامل هم‌زیستانه دارند.

در پایان نیز به یک الگوی الهیات عملی در جامعهٔ مسلمانان اشاره شد و روشن شد که بنابر سیرهٔ دین‌ورزی سیدموسی صدر، الهیات عملی، به‌صحنه‌کشاندن آحاد جامعه به‌عنوان بندگان و فرزندان پروردگار در سالم‌سازی جامعه و ظهور و بروز مفاهیم الهیاتی در جهان زیست‌مؤمنان و غیرمؤمنان است. همچنین با برتردانشتن دین ماعونی، خیرخواه و گره‌گشای معضلات جامعهٔ انسانی، نسبت به دین صرفاً مناسکی، شخصی و تکلیفی، دین‌ورزی معنای درست الهیات عملی نسبت به دینداری است.



فهرست منابع

افلاطون (۱۳۸۰). مجموعه آثار (چهار جلد). (محمدحسن لطفی، مترجم). انتشارات خوارزمی. خیرگزاری تسنیم (۱۳۹۳). دغدغه‌های رهبری در رسیدن به الگوی معماری اسلامی - ایرانی.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/02/03/347007/>.

دی، ک. (۱۴۰۰). ایمان در خیابان: دین در خیابان شهر. (سینا باستانی، مترجم). نشر همشهری.

صدر، م. (۱۳۸۸). اخلاص. (مهدی فرخیان، مترجم). مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، م. (۱۳۹۲). مستدرک مسیره الامام السید موسی الصدر. (احمد ناظم، مترجم). مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، م. (۱۳۹۸). دین در جهان امروز. مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر. زاهر، ی. (۱۳۹۶). گام به گام با امام، مجموعه گفتارها و مصاحبه‌ها و مقالات سیدموسی صدر. مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

محدثی، ح. (۱۳۹۷). خدا و خیابان، نسبت امر متعال و نظم اجتماعی - سیاسی. انتشارات نقد فرهنگ.

مگ گراث، آلیستر ای (۱۳۹۳). درسنامه الهیات مسیحی. (بهروز حدادی، مترجم). انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

Anderson, R. (2001). *The Shape of Practical Theology: Empowering Ministry with Theological Praxis*. Inter Varsity Press.

Bowald, M. (2020). *Grace Theological Seminary*: <https://seminary.grace.edu/what-are-the-four-types-of-theology-answers-from-a-theology-school/>.

Browning, D. S. (1995). *A Fundamental Practical Theology: Descriptive and Strategic Proposals*. Harpercollins.

Heaps, J. (2011). *Brief Outline of the Study of Theology* (Book Review). Boston University.

Heitink, G. (1999). *Practical Theology: History, Theory, Action Domains*,



Translated by Reinder Bruinsma. Studies in Practical Theology. Eerdmans.

Osmer, R. (2008). Practical Theology: An Introduction. Eerdmans.

Schleiermacher, F. (1850). Brief Outline of the Study of Theology. In William Farrer (Trans.). Edinburgh.

Van der Ven, J. A. (1993). Practical Theology. In Barbara Schultz (Trans.). Kok Pharos.

What is Practical Theology?. (n. d.). <https://www.bu.edu/cpt/about/the-center-for-practical-theology/>.

Weyel, Birgit et al., (Eds.). (2022). International Handbook of Practical Theology. De Gruyter.

